



soraya_shahabi@yahoo.com

ثریا شهابی

حسادت و رقابت، در خفا و دور از چشم شاهد و میانجی و دخالتگری که بتواند مانع اتفاق افتاده آن شود، جانشان را از دست دادند. و برگردن کسانی که جانشان را گرفتند مدال "قاتل" آویزان شد!

صفحه ۲

قتل های مجاز و غیر مجاز کبری رحمانپور و شهلا جاهد نباید کشته شوند!

حکم اعدام کبری رحمانپور مجددا تأیید شد و اعدام شهلا جاهد هم پس از سه سال قطعی شد. این نوشته نیست، چرا که در میزان شیع بودن و وارونه بودن "عدالتی" که قرار است با انداختن طناب دار برگردن این دو زن صورت بگیرد، تغییری نمی دهد. مقتولین این پرونده ها، کسانی بودند که در یک جدال لفظی و فیزیکی، دفاع از خود، یا بر اثر احساسات غیر انسانی



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۱۵ مهر ۱۳۸۴ ۷ اکتبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

جمهوری اسلامی مسبب فلاکت است این حکومت را باید انداخت!



azam_kamguian@yahoo.com

اعظم کم گویان

جمهوری اسلامی فلاکت سیاه و بیسابقه ای را به مردم تحمیل کرده است. زندگی فیزیکی و حیات معنوی میلیونها انسان زیر لگد آن له شده است. میلیونها نفر بیکارند؛ دستمزد صدها هزار کارگر مدتهاست که پرداخت نشده؛ هر سال صدها هزار نفر جمعیت بیکار اضافه می شود؛ میلیونها نفر زیر خط فقر بسر می برند؛ چهل درصد جامعه گرسنه می خوابند؛ زنان بسیاری به تن فروشی رانده شده اند؛ صدها هزار کودک مجبور به ترک تحصیل و تلاش برای معاش شده اند؛ امید به زندگی در میان انسانهای بسیاری از بین رفته؛ جمهوری اسلامی زندگی مردم را به قعر فلاکت و استیصال پرتاب کرده است. این وضعیت سیاه نتیجه حاکمیت نظامی است که دولت آن روزانه میلیونها دلار

اعتصاب عمومی در فرانسه



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

خواندند. چراکه اعتصابی، به معنی متعارف، صنفی نبود بلکه اعتراض اجتماعی گسترده ای علیه سیاستهای شبه تاجری دو ویلپن برای زدن دستاوردهای رفاهی و امنیت شغلی مزد و حقوق بگیران بود. دو ویلپن چهار ماه پیش بدنبال "نه" بزرگ مردم به فرماندم قانون اساسی اروپا روی کار آمد. همه میگویند که اعتصاب

اعتصاب عمومی چهار اکتبر را میدیای فرانسه برای دومینیک دو ویلپن نخست وزیر "سه شبیه سیاه"

جایگاه گارد آزادی برای حزب حکمتیست

اجتماعی و طبقاتی جاری در جامعه، دخالت در آنها، ایفای نقش در هدایت این مبارزات در مسیر ایجاد یک جامعه آزاد و برابر، تشکیل گارد آزادی را در ردیف اولویتهای حزب حکمتیست قرار داده است. در این دوره نتنها دولتهای مرکزی، هر حزب و جریان اپوزیوسیونی که امروز تشکیل شوند فردا مسلح اند و سایه اسلحه و قدرت نظامی شان را بالا سر مردم قرار می دهند. بعد از قیام ۵۷ فقط در قسمت کردستان ایران عرصه نظامی، تبدیل به یک عرصه سیاسی اجتماعی مبارزه و شکلی از اعتراض و مقاومت و موثر بر زندگی و مبارزات مردم شد.

کمونیست: با حضور شما و رفیق عبدالله دارابی در پروژه رهبران کمونیست در میان مردم امسال گارد آزادی رسماً در کردستان اعلام موجودیت کرد. تشکیل گارد آزادی ناشی از چه ضرورتی است؟ مجید حسینی: جوابگوی به ضرورتهای مبارزاتی سیاسی



majid.h@telia.com

گفتگو با مجید حسینی

اما اکنون اوضاع فرق کرده است. در پرتو تحولات جهانی و منطقه ای در خیلی از کشورها و از جمله

صفحه ۳

اطلاعیه کمپین آزادی دستگیر شدگان وقایع کردستان

رویا طلوعی، اجلال قوامی و سعید ساعدی آزاد شدند!

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

افتاده اند. پلاتفرم مستضعف پناهی احمدی نژاد خود دلالت بر این وضعیت انفجری و فلاکت زده مردم دارد.

در ایران از بیمه بیکاری خبری نیست. یعنی هزینه بیکاران بر دوش سایر بخشهای کارگران است؛ طب و آموزش و پرورش رایگان نیست؛ هزینه های مسکن و خوراک و پوشاک سر به فلک می زند و هر روز گرانتر می شود. وقتی کارگر برای تغییر این وضعیت دست به اعتراض

و اعتصاب می زند، سرکوب می شود. این سهم مردم کارگر و زحمتکش از زندگی است.

کارگران، مردم!

حکومت را باید مجبور کنید ثروت جامعه را بجای اینکه خرج خود و دستگاه سرکوب و ذلت شما کند صرف پرداخت بیمه بیکاری به مردم بکند. باید حق خود را از گلولی این مفتخوران بیرون بکشید. اموال نهادهای سرکوبگر و موقوفات، دارائی

و خلاصی را فریاد می کنند، تغییر داد.

مردم کارگر و زحمتکش لایق دنیایی هستند که در آن کسی گرسنه نمی ماند، بیمار و بیکار و بیسواد نیست آرزوهای مردم بخاطر سود و منفعت سرمایه داران و رژیم شان به خاک سپرده نمی شود. دنیایی که همه از سواد، بهداشت و درمان و مسکن برخوردارند. دنیایی که سلامت و رشد معنوی انسانها پیش شرط رشد و تعالی جامعه است. دنیایی که مردم در آن

آزاد هستند، دنیایی که رفاه و تعالی انسان در آن رایج است. جهانی که گرسنگی و اندوه و درد در آن روز بروز کمتر و نایب تر می شود.

ساختن چنین دنیایی هیچوقت اینقدر عاجل نبوده است. جمهوری اسلامی رفتنی است. باید آن را انداخت و بر ویرانه هایش چنین دنیایی ساخت.



از صفحه ۱

کبری و شهلا اما کسانی هستند که قرار است در روز و ساعت معین در حضور مردم ایران، در حمایت قانون و پلیس و "اخلاق" و مذهب و دولت، طی تشریفات معینی، در معیت قانون کثیف قصاص و انتقام، آدم بکشند. و برگردن قاتلین کبری و شهلا، مدال افتخار "عادل" اویزان شود. اگر مرگ قربانیان این

دو پرونده، شاهی نداشت و حقایق مربوط به آن میتواند برای همیشه پنهان بماند، کبری و شهلا قرار است با حضور شاهدان، مطبوعات، گزارشگران در مقابل چشمان همگان، به قتل برسند. اگر احساسات، خشم، دفاع از خود، حسادت و رقابتی که موجب مرگ دو انسان شد، توجیهی برای پایان دادن به زندگی قربانیان این دو پرونده نیست، حس انتقام و

خونخواهی خانواده قربانیان برای کشتن کبری و شهلا، تشویق میشود و به آن "شرف و انسانیت" میگویند! شنيع ترین قتل های سیستماتیک را "عدالت" میخوانند.

اعدام، شنيع ترین قتل عمد نقشه مند است. هیچ کس را به هیچ جرمی نباید اعدام کرد. نباید اجازه داد تحت هیچ نام و بهانه ای، تحت قانون اعدام یا قصاص، به پهل

این نه عدالت، که دستگاه سیستماتیک آدم کشی است باید آن را از بنیاد ریشه کن کرد. این تنها راه جلوگیری از قتل های بیشتر است.

تشنه عدالت و انسانیت اند، باید در مقابل این کشتارهای فجیع به ایستند.

عدالت اسلامی با قانون اعدام و قصاص اش، گسترش و تعمیم قتل و آدم کشی است.



از صفحه ۱

مقابله با ناامنی شغلی و خطر بیکاری ناشی از این خصوصی سازی دست به اعتصابی یک هفته ای زدند. سیاستهای دو ویلپن، علاوه بر خصوصی سازی شرکتهای بزرگ دولتی که هدف آن بیکار کردن کارگران با سابقه و میلیتانت و جایگزینی شان با نیروی کل ارزان و کم تجربه وارد شده از اروپای شرقی و شمال آفریقا است، دست کارفرما در شرکت های کوچک را هم برای اخراج کارگران ماهر و با سابقه و استخدام کارگر آموزش ندیده با دستمزد ساعتی ۱ یورو بزرگ میگذارد. این در ادامه پروژه دست راستی حزب حاکم گولیست است که با افزایش سن بازنشستگی و قوانین ضدکارگری دیگر، از راههای گوناگون تلاش میکند قانون ۳۵ ساعت کار در هفته، که از سال ۲۰۰۰ بصورت سراسری اجرا میشود را بازپس بگیرد. عقب نشینی موضعی دو

ویلپن در برابر اعتصاب مرسی (که اعلام کرد ۲۵٪ سهام شرکت اس ان سی ام را در دست دولت نگهدارد) باعث تشویق کارگران و فشار بر اتحادیه ها برای وارد آوردن ضربه کاری بر کل پروژه دو ویلپن شد. پنج اتحادیه سراسری در یک اتحاد عمل کم سابقه اعتصاب عمومی سه شنبه را با هم سازمان دادند. این اعتصاب گسترده، پر شور و کارناوالگونه علاوه بر متوقف کردن چرخ تولید و ترانسپورت در سطح جامعه، یک میلیون نفر در سراسر فرانسه و ۱۵۰ هزار نفر در پاریس را به خیابانها کشانید. کارگران و مردم پیامشان را به گوش دولت دست راستی رساندند. دو ویلپن رسماً اعلام کرد: "پیامی که فرانسویان برایمان فرستادند را شنیدم!" اتحادیه های سازمانده اعتصاب اعلام کردند در صورتیکه خواستهایشان در ارتباط با تامین امنیت شغلی، بالا رفتن دستمزدها و احیای ۳۵ ساعت کار در هفته پاسخ

نگیرد، اعتصابات ادامه خواهد یافت.

دوراهی بازار - دولت رفاه

یا دوراهی بازار - سوسیالیسم؟

برای درک اهمیت اعتصاب عمومی اخیر فرانسه، باید آن را نه فقط در ادامه "نه بزرگ" چهار ماه پیش به قانون اساسی اروپا، بلکه در قاب وسیعتر مبارزه طبقاتی دهه اخیر در فرانسه گذاشت. این یک واقعیت تاریخی مهم است که ظرف چند سال پس از سقوط شوروی و هیاهوی پایان مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر در فرانسه با به میدان آمدن و به صحنه آوردن یک مبارزه طبقاتی مستمر و میلیتانت، پوچی توهم جناح راست بورژوازی را آشکار ساخت. تحركات کارگری در فرانسه علاوه بر دستاوردهای محلی و موضعی خود در دفاع از معیشت و حقوق طبقه کارگر که تا حد تحمیل ۳۵ ساعت کار هفتگی به

کارگر در فرانسه باعث کندي و عقب نشستن های موضعی این روند در این بخش مرکزی و محوری اروپا شده است.

در پشت رویارویی جاری بورژوازی و طبقه کارگر در فرانسه، بیش از ده سال تحركات تعرضی کارگری نهفته است. چنین سابقه طولانی در چنین دوره حساسی، به یک سنت مبارزاتی میلیتانت و جاافتاده در میان کارگران فرانسه شکل داده که مهر خود را به کل جامعه و رویارویی اجتماعی کوبیده است و حتی کم و بیش هم مورد توجه و بعضاً استقبال بخشهای دیگر طبقه بویژه در ایتالیا و آلمان و انگلیس قرار گرفته است. اما این تعرض و میلیتانتی در حال حاضر به خود حرکت توده ای محدود مانده و به شکلگیری خودآگاهی طبقاتی و افق، چشم انداز، سیاست و تاکتیکیهای متمایز از افق و سیاست تریبونونیسیم حاکم بر آن نینجامیده است. این صفحه ۲

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



از صفحه ۱

اندیشی کنند. ما گارد آزادی را سازمان می دهیم تا به این وضعیت مشخص جواب دهیم تا بتوانیم از همین امروزو نه تنها در آینده، به نحو جدی تری بر روند های مبارزات کارگری، زنان، جوانان، دفاع از حقوق کودک، تقویت جنبش سرنگونی، اعتلای جنبش انقلابی و قیام و در یک کلام در تمام مراحل می کند بنفع مردم اثر بگذاریم.

دولتها و نیروهای دیگر بورژوازی، اسلحه و عرصه نظامی را به کارگر کمونیست و حزبش تحمیل کرده اند. برای همه نیروهای سیاسی و از جمله کمونیستها، داشتن نیروی نظامی شرط جدی گرفتن آن از طرف مردم و دخالت به موقع در روندهای مبارزاتی و حتی نفس موجودیت حزبی و فعالیت کمونیستی است.

کمونیست: کمونیستها حدود یک دهه در کردستان نیروی مسلح موسوم به پیشمرگ داشتند. گارد آزادی چه تفاوت و تمایزاتی با نیروی پیشمرگ دارد؟

مجید حسینی: اگر به فعالیت ما در کومه له قدیم نگاه کنیم، متوجه می شویم که عرصه نظامی آن بشدت آغشته به سنت و روشهای ناسیونالیستی بود. نقطه قوت ما در آن دوره رها نکردن این عرصه بدامان احزاب و جریانات ناسیونالیست بود. اشکال این بود شروع فعالیت نظامی کومه له قدیم، الگو و کپی برداری از سنت ناسیونالیستی و تقلید از

است. از نامش پیدا است جریاناتی که این نیرو را دارند چه ارزشی برای انسان و جانش قائلند و می خواهند چند نسل دیگر را با کلمه "پیشمرگ" گول بزنند و به سبک اسلامی ها مرگ و قربانی شدن را تقدیس نمایند؟

در سنت ناسیونالیسم تشکیلات نظامی و فعالیت آن، کل حزب و فعالیت آن، سیاست و تاکتیکهای نظامی آن تابع مبارزات و خواستهای مردم نیست و از ساخت و پاخت و معامله سران این احزاب با دولتهای مرکزی تبعیت می کند. عامل دیگر در تعیین وظایف "پیشمرگ" چگونگی زیست این احزاب در شکاف مابین دولتها و روابط آنها با همدیگراست. همین عوامل نیروی نظامی احزاب ناسیونالیستی کردستان ایران و کومه له جدید را در عراق به تشری انداخته است. احزاب ناسیونالیستی وقتی مردم و مبارزه اشان را می خواهند که در کنترل و خدمت آنها باشد مخالفت این احزاب با اعتصاب سراسری ۱۶ مرداد مردم در کردستان مثال گویایی ست. هر زمان کارگران از اضافه دستمزد و کم کردن ساعت کار و اعتصاب و تشکیلاتی، از برابری زن و مرد، جدایی مذهب از دولت و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و آزادیخواهی صحبت کنید فوراً خواهد گفت تفرقه نیندازید روز اتحاد "ملت گرد" است و اینها را بگذارید برای بعد از "گرفتن حق مان". راست هم می گویند این خواستها حق آنها و مسئله اشان نیست و

حتی رفع ستم ملی هم نیست. وقتیکه مردم و چپ ها در دوران انقلاب ۵۷ این قبیل شعارها را سر می دادند، اسلامیها هم می گفتند تفرقه نینداز و با نعره لا اله الا الله و حزب فقط حزب الله در مقابل مردم قرار می گرفتند. این دو فرهنگ سیاسی اسلامی ها و ناسیونالیسم از یک جنس است. نیروی "پیشمرگ" مدافع چنین سیاست هایی است.

گارد آزادی و پیشمرگ از نظر آرمانی و ماهیت سیاسی تفاوت اساسی با هم دارند. گارد آزادی، سازمان نظامی حزبی است که برای آزادی و برابری و ایجاد جامعه سوسیالیستی مبارزه میکند. برنامه "یک دنیای بهتر"، به اضافه سیاست و تاکتیک هلی دوره ای حزب در دوره های مختلف سیاسی ناظر بر فعالیت نظامی گارد آزادی است. فعالیت نظامی این نیروی کمونیستی، تابع منفعت عامه جامعه و مبارزات سیاسی و طبقاتی و اهداف حزب است، بالای سران قرار نمی گیرد، با مبارزات روزمره و دوره ای مردم سازگار است و تکمیل کننده آن است. عرصه نظامی وجهی از فعالیت حزب و بخشی از فعالیت کمیته کردستان است که بوسیله گارد آزادی به پیش برده میشود. این نیرو از نظر آرایش سازمانی، روابط درونی، سلسله مراتب تشکیلاتی و فرماندهی، سوخت و ساز سیاسی، شرایط پذیرش در آن، پشت جبهه و تجهیزات آن با نیروی "پیشمرگ" ناسیونالیستها و کومه له قدیم

از صفحه ۲

باعث شده که تحرکات کارگری پا از دایره دفاع از دستاوردها بیرون نگذارد و چارچوب سرمایه دارانه باز تولید این جنگ و گریز درازمدت را به نقد و تعرض نکشد. یونیونیسیم در اروپا، مانند بستر اجتماعی آن سوسیال دمکراسی، به راست چرخیده است و این تنها لولای اتصال آن به تحرکات کارگری است که در بعضی

کشورها مانند فرانسه و ایتالیا آنها را در موضع دفاع از دستاوردهای رفاهی و حقوق اتحادیه ای کارگران نگاه داشته است. طبقه کارگر در فرانسه تنها با خروج از دایره باطل تبعیت از یونیونیسیم و سوسیال دمکراسی میتواند ره حرکت خود بسوی رهایی را در پیش بگیرد.

دوره ای واقعی ای که بعد از سقوط شوروی و شیفت به راست سوسیال دمکراسی در

پیش پای طبقه کارگر در اروپا قرار گرفته است بازار یا دولت رفاه نیست. زیرا جناح چپ بورژوازی مدافع دولت رفاه سالهاست در برابر سیاست های جناح راست سپر انداخته است. دوره ای واقعی از یک دهه و نیم پیش و امروز دوره ای بازار یا سوسیالیسم است. طبقه کارگر در فرانسه و به تبع آن اروپا در عین دفاع از دستاوردهایی که طی قرنهای بدست آورده است، در عین

دفاع از ۳۵ ساعت کار در هفته و طرح جدی ۳۰ ساعت (که از اوائل دهه ۱۹۷۰ در دستور احزاب چپ و سوسیال دمکرات و اتحادیه ها بوده است)، به شرط دستیابی به خودآگاهی و افق متمایز خود، میتواند از این دوره از تحرکات مستمر و میلیتانت فراتر رود و مارش بیوقفه خود بسوی سوسیالیسم را تضمین کند.

تنها یک پرچم کمونیستی

کارگری بی تحریف، بی اما و اگر و متمایز میتواند چنین مارشی را تضمین کند. فرانسه و اروپا نیازمند یک حرکت اجتماعی نیرومند بمراتب عظیم تر از مه ۱۹۶۸، با طبقه کارگر آگاه در راس آن است، حرکتی که بر پرچم آن نوشته شود:

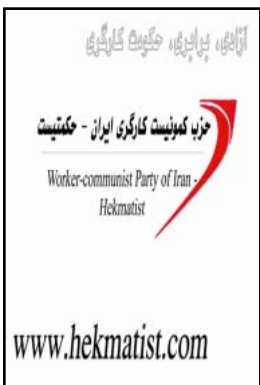
دولت رفاه مرد! زنده باد انقلاب کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

منتشر شد:

شماره دوم نشریه حکمت
حزب کمونیستی و قدرت سیاسی
انشعاب در حزب کمونیست
کارگری و تشکیل حزب حکمتیست



رویا طلوعی، اجلال قوامی و سعید ساعدی آزاد شدند!

عصر امروز چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۴ برابر با ۵ اکتبر ۲۰۰۵ رویا طلوعی از فعالین کانون زنان کرد و سردبیر ماهنامه راسا همراه با اجلال قوامی و سعید ساعدی، که هردو روزنامه نگارند از زندان سنندج آزاد شدند. لازم به توضیح است که این سه نفر بدنبال اعتراضات مردم در شهرهای کردستان از بیش از ۲ ماه قبل توسط نیروهای اطلاعاتی و انتظامی جمهوری اسلامی دستگیر و تا کنون در زندان بوده اند.

در این مدت تلاشهای زیادی هم از جانب ما و هم جانب جریانات دیگر برای آزادی این سه نفر و بقیه دستگیرشدگان در جریان بود. اکنون و بعد از گذشت بیش از ۲ ماه این سه نفر با وثیقه های سنگین ۱۰۰ میلیون تومانی توسط مراکز قضایی جمهوری اسلامی در سنندج آزاد شده اند تا بدنبال پروسه محاکمات آنان شروع و تکلیف پرونده و [جرایم] ادعا شده از جانب جمهوری اسلامی روشن شود.

ما از جانب حزب حکمتیست ضمن تبریک آزادی این سه نفر به خانواده و بستگان آنها، به بچه های رویا طلوعی و مردم مبارز سنندج، هر نوع اعلام جرم علیه این سه نفر و بقیه آزادشدگان را محکوم میکنیم.

دستگیری این سه نفر و صدها انسان دیگر، به جرم اعلام عقیده و ابراز مخالفت با کشتار و شکنجه و میلیتاریزه کردن محل کار و زندگی مردم، زیر پا نهادن ابتدایی ترین حقوق شهروندان این جامعه است و باید آن را محکوم کرد.

کمپین ما برای آزادی تمام دستگیرشدگان وقایع اخیر همچنان ادامه دارد. ما بار دیگر تمام جریانات، احزاب و نهادهای انساندوست و مردم مبارز شهرهای مختلف را برای اعتراض به جمهوری اسلامی و با خواست آزادی فوری و بی قید و شرط تمام دستگیرشدگان فرامیخوانیم.

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

محمود قزوینی

خالد حاج محمدی

۱۳ مهر ۱۳۸۴ ۵ اکتبر ۲۰۰۵

تماس با محمود: mkazvini@hotmail.com

تلفن: ۰۰۴۵۵۱۶۰۳۱۲۱

تماس با خالد: khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

که کردند، در اتحادیه های کارگری را می بندند که بستند، جلسات کارگران را بهم می زند و ممنوع می کنند و خبری از آزادیهای سیاسی و اعتصاب در کار نیست و این تاریخ را پشت سر داریم. ما جنگ و قتل علم پیکار را دیدیم و تجربه عراق را داریم. بدون گارد آزادی، بدون قدرت نظامی نتنها تحقق استراتژی حزب، در ابهام قرار می گیرد، توده ای شدن حزب و رشد آن لاک پشتی خواهد بود.

بگذاریم. امروز نفس مدنیت جوامع در خطر است تا چه رسد به مبارزه طبقاتی. در این بازار آشفته کارگران و مردم باید نیروی نظامی خود را داشته باشند. گرایشات ناسیولیستی و اسلامی انواع حزب و جریان مسلح دارند. آیا بدون نیروی نظامی دوست و دشمن حزب را جدی می گیرند و حزب می تواند بر روندهای مبارزاتی اثر جدی نهد؟ رسیدن به استراتژی حزب، سوسیالیسم، وجود گارد آزادی را ضروری کرده است. بدون حزب مسلح شورای کارگران را تعطیل می کنند

به اینکه این نیرو می تواند توده ای گردد و در میان جوانان مد شود ازتحلیل درست اوضاع سیاسی و نیاز جامعه به وجود چنین نیرویی سر چشمه گرفته است. ما حزب سیاسی هستیم و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و برابر به حزب همه جانبه و دخیل در عرصه های مبارزه، به سازمان دادن طبقه کارگر و جوانان و گسترش اعتراضات سیاسی در شهرها متکی هستیم. عرصه نظامی وجهی از فعالیت ماست، بدون نیروی نظامی نمی توانیم بدرستی و بموقع بر سیر مبارزات اثر

جدا و مستقل از اهداف حزب، شرایط سیاسی جاری و کشمکش طبقت و نیروها در جامعه نیست. استراتژی گارد آزادی جدا از استراتژی حزب برای رسیدن به سوسیالیسم نیست. وظایفی که این نیرو در برابر خود دارد با مراحلی که جنبش سرنگونی طلبی و اعتراضی کارگری و مردم دارند مرتبط است. در نتیجه مرحله ای که این نیرو طی می کند، و حتی تلاش برای سازمان دادن و براه انداختن گارد آزادی، گسترش آن و تعریف دقیق وظایف آن در ایران و در کردستان و اعتقاد

از صفحه ۳
متفاوت است. جهت این است پیوستن به گارد آزادی، فعالیت کردن در آن و یا بیرون رفتن از آن برای هر جوان انقلابی و برای هر کسی که بخواهد در عرصه نظامی فعالیت کند بسیار ساده و راحت شود.
کمونیست: جایگاه گارد آزادی در استراتژی حزب حکمتیست برای کسب قدرت سیاسی و انقلاب سوسیالیستی چیست؟
مجید حسینی: گارد آزادی و فعالیت نظامی آن، استراتژی

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بپیوندید!